



فهرست مطالب

بہتان و افتراء.....	۳
عدم شرطیت بلوغ، اسلام و عقل در مفتری علیہ.....	۳
شرطیت قصد و جدیت در صدق عنوان افتراء.....	۳
عدم شرطیت لفظ در افتراء.....	۴
شمول حکم افتراء بر مدالیل التزامی.....	۴
بحثی در جواز یا عدم جواز بہتان بر اہل بدعت.....	۴
وجوہ اقامہ شدہ بر عدم جواز بہتان بر اہل بدعت.....	۵
وجہ اول: وحشت و رعب معنای بہتان در روایات.....	۵
وجہ دوم: ابای نہی از افتراء از تخصیص.....	۵
وجہ سوم: ثانویہ بودن حکم بہ بہتان بر اہل بدعت در روایت.....	۵
کذب علی اللہ و الرسول و الأئمہ.....	۶
آیات دال بر حرمت کذب علی اللہ و الرسول و الأئمہ.....	۶
روایات دال بر حرمت کذب علی اللہ و الرسول و الأئمہ.....	۷
روایت ابی نعمان.....	۷
روایت احمد.....	۷
روایت عمر بن عطیہ.....	۸
نکاتی در ذیل بحث.....	۸
حکم عقل بر حرمت کذب علی اللہ و الرسول و الأئمہ.....	۸
کبیرہ بودن کذب علی اللہ و الرسول.....	۹
شمول عنوان کذب علی الرسول نسبت بہ کذب بر ائمہ.....	۹
عنوان این بحث در قرآن و روایات.....	۹
آثار وضعی کذب علی الرسول و الأئمہ.....	۹



- ۹..... بطلان روزه در صورت روزه بودن کاذب
- ۱۰..... ثبوت تعزیر
- ۱۰..... اقسام کذب علی الرسول
- ۱۰..... نسبت کذب در اموری غیر دین
- ۱۰..... نسبت کذب در امور دینی
- ۱۰..... اطلاق روایات نسبت به هر دو قسم



بسم الله الرحمن الرحيم

بهتان و افتراء

بحث نوزدهم در مورد بهتان و افتراء است. بهتان و افتراء از مقوله کذب است با این تفاوت که بهتان و افتراء اخص مطلق از کذب می باشد و به «کذب علی الغیر» اطلاق می شود. همان طور که در جلسه قبل بیان شد علاوه بر شمول اطلاعات ادله مربوط به حرمت کذب، ادله خاصه ای بر حرمت بهتان و افتراء با همین واژگان یا رمی بری یا امثال این تعبیر وجود دارد که موجب تأکید حرمت افتراء و بهتان می شود.

عدم شرطیت بلوغ، اسلام و عقل در مفتری علیه

بلوغ، عقل، اسلام و ایمان در مفتری علیه و کسی که به او تهمت زده می شود، شرط نیست بلکه همین که این اگر آن کلام را بشنود، ناراحت شود و شائیت ایداء وجود داشته باشد، در صدق عنوان افتراء و بهتان کفایت می کند و بیش از این شرط نیست.

شرطیت قصد و جدیت در صدق عنوان افتراء

همان طور که در بحث کذب مطرح شد و به همان دلایل، قصد و جدیت در تحقق و صدق عنوان بهتان و افتراء شرط می باشد و در صورتی که مضمون جمله ای قصد نشود مثل اینکه در مقام توریه باشد و یا اینکه جدی نباشد، عنوان افتراء و بهتان بر آن کلمات و جملات صدق نمی کند و منشأ این عدم صدق هم یا مفهومی است یعنی مفهوم بهتان و افتراء بر آن صادق نیست و یا انصراف است البته به این نکته هم باید توجه داشت در این صورت که مفهوم افتراء و بهتان صادق نیست اگر عناوین دیگری مانند ایداء یا اشاعه فحشا بر جملات و کلماتی که بیان می شود، صادق باشد، از باب صدق این عناوین حرمت بعید نیست.



عدم شرطیت لفظ در افتراء

مطلب دیگری که باید به آن اشاره شود این است که در افتراء مثل کذب لفظ شرط نیست و تنها چیزی که شرط است این است که این نسبتی را که می‌دهد، ابراز شود بآی مبرزٍ سواءً كان المبرزُ اللفظُ أو الإشارة أو الكتابه و مخاطبی هم وجود داشته باشد که این کلام را بشنود و یا بخواند.

شمول حکم افتراء بر مدالیل التزامی

به همان دلایلی که در بحث کذب مطرح شد حکم افتراء شامل مدالیل التزامی هم می‌شود. افتراء و بهتان ممکن است به شکل صریح مطابقی متوجه کسی شود و ممکن است مطلبی بیان شود که لازمه عرفی و برداشت التزامی عرفی از آن، افتراء باشد که در این صورت هم عنوان افتراء و بهتان صادق می‌باشد.

بحثی در جواز یا عدم جواز بهتان بر اهل بدعت

بحث دیگری که به طور اجمال آن را مطرح می‌کنیم و در استثنائات کذب بیشتر از این بحث کنیم، بحث بهتان بر اهل بدعت می‌باشد. در برخی روایات که روایت معتبر هم در بین آنها وجود دارد، تهمت و بهتان به اهل بدعت جایز بلکه به آن امر شده است مانند این روایت «وَبَاهْتُوهُمْ كَيْلًا يَطْمَعُوا فِي الْفُسَادِ فِي الْإِسْلَامِ»^۱ سؤالی که در اینجا وجود دارد این است که آیا می‌توان به ظاهر این حدیث ملتزم شد و مطلب خلاف واقع را به اهل بدعت نسبت داد همان گونه که برخی با استناد به این روایات به آن فتوا داده‌اند و یا اینکه بهتان و تهمت حتی در مورد اهل بدعت هم جایز نیست؟

^۱ - وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۲۶۷



وجوه اقامه شده بر عدم جواز بهتان بر اهل بدعت

وجه اول: وحشت و رعب معنای بهتان در روایات

دلیل و وجه اولی که قائلین به عدم جواز تهمت و بهتان به اهل بدعت اقامه کرده اند این است مقصود از «وَبَاهْتُوهُمْ» در روایات، تهمت و بهتان و افتراء اصطلاحی نیست بلکه معنای باهتوهم این است که آن‌ها را مدهوش کنید و تحت فشار قرار دهید و بترسانید. همان طور که در مقایسه اللغه آمده است، معنای اصلی بهت، دهشت و وحشت و رعب می باشد و بحثی از نسبت ناروا نیست. (بَهْتَه) یعنی او را مدهوش کرد. در قرآن و روایات نیز به همین معنا به کار رفته است مانند «فَبُهَّتِ الَّذِي كَفَرَ»^۲ بعد به خاطر اینکه وقتی به کسی نسبت ناروایی داده می شود او تکان می خورد و شوک به او وارد می شود و مدهوش می شود به معنای افتراء کذب هم بکار رفته است. این معنای دوم است که تناسبی با همان معنای اول هم دارد. پس این کلمه مشترک لفظی است و دارای دو معنا می باشد و معنای دوم که به معنای نسبت ناروا می باشد، مقصود از باهتوهم در روایت نیست بلکه معنای اصلی آن که به معنای رعب و وحشت است مراد می باشد و حداقل این است که در اینکه کدام معنا مراد باشد شک وجود دارد و وقتی شک وجود داشت روایت مجمل می شود و نمی توان به آن روایت برای جواز بهتان و افتراء بر اهل بدعت تمسک کرد.

وجه دوم: ابای نهی از افتراء از تخصیص

وجه و دلیل دومی که مطرح شده است این است که حتی اگر باهتوهم در روایت به معنای افتراء هم باشد، نهی از افتراء یک نهی آبی از تخصیص می باشد و به عبارتی دیگر حکم مستقل عقلی بر حرمت افتراء و بهتان وجود دارد و به خاطر حکم عقل و اینکه این حکم به حرمت آبی از تخصیص است به این روایت عمل نمی شود و کنار گزارده می شود.

وجه سوم: ثانویه بودن حکم به بهتان بر اهل بدعت در روایت

وجه و دلیل دیگری که بر عدم جواز افتراء بر اهل بدعت بیان شده است این است که امر به بهتان و افتراء در روایت به عنوان اولی نیست بلکه به عنوان ثانوی و در مقام تراحم می باشد به این بیان که دفع بدعت و جلوی نفوذ بدعت را

^۲ بقره / ۲۵۸



گرفتن تکلیف است و راه این دفع بدعت، افترا و تهمت زدن به بدعت کننده می باشد که در این مقام، شارع امر به افترا بر اهل بدعت به جهت جلوگیری از بدعت کرده است.

البته ذکر این نکته لازم است که وجه و دلیل دوم و سوم که ذکر شد قابل اطمینان نیست و در آن تردید وجود دارد ولی وجه اول بعید به نظر نمی رسد. در باب استثنائات باب کذب به تفصیل به این مطلب پرداخته خواهد شد.

کذب علی الله و الرسول و الأئمه

بحث بیستم بحث کذب علی الله و الرسول و الأئمه می باشد که نسبت آن با کذب عموم و خصوص مطلق می باشد. علاوه بر ادله مطلقه که در باب کذب وجود دارد، به طور خاص آیات و روایاتی وجود دارد که بر حرمت کذب علی الله و الرسول و الأئمه دلالت دارند.

آیات دال بر حرمت کذب علی الله و الرسول و الأئمه

اکثر آیاتی که در آن مفهوم «افتراء» آمده است مانند «مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا»^۳ یا قریب به این مضمون به صورت واضح دلالت بر عتاب و خطاب و حرمت مؤکد این امر می کند و وعده های عذاب هم داده شده است که در کبیره بودن کذب علی الله، هیچ شکی نیست.

^۳ الأنعام / ۲۱



روایات دال بر حرمت کذب علی الله و الرسول و الأئمه

روایات دال بر حرمت کذب علی الله و الرسول و الأئمه در کتاب العشره باب ۱۳۹ که عنوان باب هم تحریم الکذب علی الله و علی رسوله و علی الأئمه، کتاب الصوم باب دوم از مفطرات، باب ۱۴ صفات قاضی و باب ۴۶ جهاد النفس آمده است که به چند روایت اشاره می‌کنیم.

روایت ابی نعمان

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي النُّعْمَانِ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع يَا أَبَا النُّعْمَانِ لَا تَكْذِبْ عَلَيْنَا كَذِبَةَ فَتُسَلَبَ الْحَنِيفِيَّةَ - وَ لَا تَطْلُبَنَّ أَنْ تَكُونَ رَأْسًا فَتَكُونَ ذَنْبًا - وَ لَا تَسْتَأْكِلِ النَّاسَ بِنَا فَتَفْتَقِرَ - فَإِنَّكَ مَوْقُوفٌ لَا مَحَالَةَ وَ مَسْئُولٌ - فَإِنْ صَدَقْتَ صَدَقْنَاكَ وَ إِنْ كَذَبْتَ كَذَّبْنَاكَ.»^۴ در این روایت که معتبر هم می‌باشد امام می‌فرماید یک دروغ هم به ما نبند که اگر دروغی بستی تو از دین خارج شدی. دنبال ریاست نرو که اگر طلب ریاست کردید تو دنباله‌رو خواهی شد، دُمی خواهی شد، طلب ریاست این‌طور است ما را وسیله زندگی خود قرار نده که موجب فقر تو می‌شود.

روایت احمد

«وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ذُكِرَ الْحَائِكُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ مَلْعُونٌ فَقَالَ - إِنَّمَا ذَلِكَ الَّذِي يَحُوكُ الْكَذِبَ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ ص.»^۵ حضرت فرمود حائک «ملعون است. بعد فرمود حائک که اینجا می‌گوییم یعنی: الَّذِي يَحُوكُ الْكَذِبَ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

^۴ - وسائل الشیعة؛ ج ۱۲، ص: ۲۴۷

^۵ - وسائل الشیعة؛ ج ۱۲، ص: ۲۴۸



روایت عمر بن عطیه

«وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ قَالَ لِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ يَا أَخَا أَهْلِ الشَّامِ - اسْمَعْ حَدِيثَنَا وَ لَا تَكْذِبْ عَلَيْنَا - فَإِنَّهُ مَنْ كَذَبَ عَلَيْنَا فِي شَيْءٍ فَقَدْ كَذَبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص - وَ مَنْ كَذَبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَدْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ - وَ مَنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ عَذَبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ.»^۶

این روایات هم به خوبی بر حرمت دلالت دارند.

نکاتی در ذیل بحث

به طور گذرا و اجمال به نکاتی در ذیل این بحث اشاره می‌کنیم.

حکم عقل بر حرمت کذب علی الله و الرسول و الائمه

کذب همانند افترا دارای مراتب می‌باشند و به اختلاف شرایط و موقعیت‌ها درجه و تأکد حرمت آن‌ها متفاوت می‌باشد، اینکه چه کسی دروغ بگوید و یا تهمت بزند؛ آدم عادی باشد یا راوی عالمی باشد. اینکه این تهمت به چه کسی متوجه شود؛ به یک شخص خیلی معمولی یا به یک پیامبری یا به خدا؟ حتماً این درجاتش فرق می‌کند. اگر هیچ دلیل لفظی هم نداشتیم می‌گفتیم تهمت علی الله خیلی مهم و حرمت آن مؤکد است؛ سوم اینکه مضمون تهمت چه باشد؟ امر خیلی معمولی باشد یا اینکه چیزی که از دین نیست، به شارع نسبت دهد. این امر خیلی قبیحی است، قبح این از هر چیزی بالاتر است، تصرف در دین دارد می‌کند؛ و اینکه در چه موقعیتی هم بگوید همین جور اثر دارد. پس اگر حتی ادله خاصه هم بر حرمت کذب علی الله و الرسول و الائمه نبود این حرمت و تأکد آن به حکم عقل و ارتکاز عقلایی واضح بود. و این مطلب موجب تأکید روایات می‌باشد.

^۶ همان



کبیره بودن کذب علی الله و الرسول

نکته و مطلب دوم این است که اگر در کبیره بودن کذب شبهه‌ای وجود داشته باشد، در کبیره بودن «کذب علی الله» شبهه‌ای نیست چون بر کذب علی الله در قرآن مکرر و متعدد وعده‌های عذاب آمده است.

شمول عنوان کذب علی الرسول نسبت به کذب بر ائمه

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که عنوان کذب علی الله و الرسول که در قرآن آمده است به برکت روایات وارده که به آن‌ها اشاره شد شامل کذب علی ائمه هم می‌شود و بعید نیست که این مطلب شامل افترا و کذب بر حضرت زهرا با توجه به درجات آن حضرت و حجیت قول و سیره ایشان، هم بشود. اما این عنوان شامل سایر علما و اصحاب و بزرگان نمی‌شود هرچند دروغ بر آن‌ها هم چه بسا با توجه به دو مراتب بودن کذب، کبیره محسوب شود اما در هر صورت عنوان کذب علی الله و الرسول شامل آن‌ها نمی‌شود.

عنوان این بحث در قرآن و روایات

مطلب و نکته چهارم این است که غالباً در روایات، عنوان کذب علی الله و علی الرسول آمده است. در قرآن معمولاً همان عنوان افتراء آمده است. و لذا بحث شامل هر دو عنوان کذب و افتراء می‌شود.

آثار وضعی کذب علی الرسول و ائمه

نکته و مطلب پنجم این است که کذب علی الله و علی الرسول و ائمه برخلاف کذب مطلق علاوه بر حرمت و کبیره بودن معصیت آن، دارای احکام وضعی هم می‌باشد.

بطلان روزه در صورت روزه بودن کاذب



یکی از آثار وضعی کذب علی الله و کذب علی الرسول و الائمه این است که موجب بطلان روزه شخص کاذب در صورتی که در حال روزه عمداً و با قصد این دروغ را بگوید می شود که احادیث در این رابطه در کتاب الصوم آمده است.

ثبوت تعزیر

حکم وضعی دیگری که ثابت است این است که افتراء و به خصوص کذب علی الله و الرسول و الائمه که از گناهان کبیره است و تقریباً ثبوت تعزیر بر گناهان کبیره مسلم می باشد، موجب ثبوت تعزیر می شود.

اقسام کذب علی الرسول

کذب علی الرسول و الائمه دو قسم است.

نسبت کذب در امور غیر دین

یک قسم این است که چیزی را به پیامبر و الائمه نسبت دهد که جزء دین نیست مانند اینکه ایشان فلان کار را انجام داد و یا اینکه مثلاً چند همسر داشت و یا اینکه خانه ایشان چگونه بوده است.

نسبت کذب در امور دینی

گاهی نیز کذب و افتراء در امور دینی و چیزی که مربوط به دین می باشد، صورت می گیرد و به ایشان از باب اینکه شارع و یا مبلغ عن الله هستند دروغ نسبت داده می شود.

اطلاق روایات نسبت به هر دو قسم

سؤالی که وجود دارد این است که ادله و روایات کذب علی و علی الرسول هر دو قسم را می گیرد یا فقط قسم دوم را می گیرد؟ هرچند قدر متیقن همه روایات قسم دوم است اما بعید نیست گفته شود بعضی از روایات، مطلق می باشد. اما در مورد قسم دوم علاوه بر اینکه هم ادله مطلق کذب و هم ادله مطلق افتراء و هم ادله ای که دال بر حرمت مطلق کذب و افتراء علی الله و الرسول است شامل آن می شود روایات خاصه ای وجود دارد که دال بر حرمت کذب علی الرسول در امور دینی می باشد. مضاف بر این عناوینی مانند بدعت هم شامل قسم دوم می شود و از این باب هم حرام می باشد.



شماره شصت: ۲۸۰۷

البته وجوه دیگری هم برای بحث وجود دارد مانند اینکه آیا این روایات شامل کذب و افترا بر پیامبر و رسول و ائمه قبل از دوران پیامبری و امامت این بزرگواران هم می‌شود یا خیر و اینکه آیا این نوع کذب مفطر است یا خیر؟ که بعید نیست بگوییم ادله شامل این نوع کذب علی‌الرسول هم می‌شود. که به آن نمی‌پردازیم.